



مجلس نمایندگان به سازمان ملل: از زنان در مقابل تهدیدات طالبان حفاظت کنید

اطلاعات روز: همزمان با تشدید حملات گروه طالبان در کشور و نشر گزارش‌ها در مورد بدرفتاری جنگ‌جویان این گروه با زنان در...

صفحه ۲

سفارت امریکا روند صدور ویزای ویژه‌ی مهاجرت به افغان‌ها را از سر گرفت



صفحه ۲

«اگر افغانستان سقوط کند»

صفحه ۳

محاصره‌ی شهر هرات و سقوط گمرک‌ها مردم نگران سقوط شهر و افزایش بهای مواد اولیه‌اند

صفحه ۵

یادداشت روز

آوارگان جنگ را فراموش نکنید

افغانستان، بیش‌ترین جمعیت آواره و مهاجر را در میان همه‌ی کشورهای جهان دارد. در آخرین برآورد کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل متحد، ۳ میلیون تبعه‌ی افغان در خارج از کشور در حالت پناهندگی یا پناهنجویی قرار دارند و ۳ میلیون دیگر در داخل افغانستان به دلیل جنگ، خشونت و فقر از محل زندگی‌شان بی‌جا شده‌اند. این شش میلیون، برابر با ۱۶ درصد کل جمعیت کشور است. به نظر می‌رسد این آمار، از تعداد واقعی آوارگان و مهاجرین افغان که به خارج از کشور رفته‌اند، بسیار کمتر باشد. بنا بر اعلام وزارت خارجه‌ی ایران، دستکم ۳ میلیون مهاجر افغان در این کشور زندگی می‌کنند. در پاکستان نیز، حدود یک درصد جمعیت این کشور، معادل حدود ۱.۵ میلیون نفر را مهاجران افغان تشکیل می‌دهد. بنابراین، فقط در دو کشور همسایه‌ی افغانستان، حدود ۴.۵ میلیون مهاجر افغان زندگی می‌کنند. اگر بی‌جاشدگان/آوارگان داخلی و صدها هزار مهاجر افغان در سایر کشورهای جهان را ضمیمه کنیم، این آمار بسیار بیشتر از ۶ میلیون نفر می‌شود. با تشدید خشونت‌ها در هفته‌های اخیر...

۲

هشدار از وقوع فاجعه در مالستان ولایت غزنی؛ «نیروهای امنیتی به کمک فوری نیاز دارند»

دفتر رسانه‌های ولسوالی مالستان ولایت غزنی اعلام کرده است که جنگ‌جویان گروه طالبان از چندین استقامت بر مرکز این ولسوالی حمله کرده‌اند و نیروهای امنیتی این ولسوالی برای دفع حملات طالبان به کمک فوری نیاز دارند. در اعلامیه‌ی دفتر رسانه‌های ولسوالی مالستان که دیروز (دوشنبه، ۲۱ سرطان) منتشر شده، آمده است که نیروهای امنیتی و دفاعی این ولسوالی چندین روز است که با دست خالی در برابر «دشمن» مبارزه کرده‌اند.



صفحه ۲

تجزیه و تحلیل

فرار از مرگ: چه کسی می‌تواند معنای آزادی را بیشتر از سید علی بفهمد؟

روایت ۶۵ روز اسارت یک عضو نیروی هوایی افغانستان در نزد طالبان

گاهی هوس خوردن یک آلو تمام آرزوی‌مان می‌شود. این چیزهای کوچک همان نقطه‌های عطف زندگی است که روی سکه را برمی‌گرداند. آن‌چنان که آدمی به معنا، درک، باور و جهان‌بینی تازه‌ای دست می‌یابد...

زندگی ما آدم‌ها به چیزهای باریکی وصل است. گاهی یکی دو میخ کوچک فلزی، دروازه‌ی بسته‌ی زندگی را دوباره به روی ما باز می‌کند. گاهی چشیدن طعم شیرین یک توت دست‌مان را از کشیدن تناب مرگ باز می‌دارد.

تجزیه و تحلیل



رابطه ایران و طالبان؛ سراسیمگی ایران برای تطهیر و مشروعیت‌بخشی به طالبان

مردم و نخبگان سیاسی افغانستان به شدت نگران ماجراجویی‌های ایران در منطقه و افغانستان هستند. ماجراجویی‌های نظامی، ایدئولوژیک، جنگ‌های نیابتی و ایده‌هایی چون صدور انقلاب اسلامی که...

تحلیل

اگر در هلمند با طالبان نجنکید باید در خیابان‌های واشنگتن با آن‌ها بنجنکید

در نخستین ساعت بامداد (جمعه، ۱۱ سرطان) نیروهای ائتلاف بین‌المللی پایگاه بگرام را بدون اطلاع از قبل ترک کردند. پایگاه بگرام که در شمال کابل موقعیت دارد، بزرگترین پایگاه نظامی نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده در افغانستان بود. در این پایگاه بیش از پنج هزار زندانی طالبان در زندان هستند و تا ۱۰۰ هزار (زمان اوج حضور) نیروهای آمریکایی در این پایگاه حضور داشتند.

حالا که ایالات متحده و هم‌پیمانانش می‌خواهند بعد از ۲۰ سال از افغانستان خارج شوند، آیا برای مأموریتی که آمده بودند، موفق شدند؟ آیا افغانستان دوباره به کام تروریزم و بنیادگرایی فروخواهد رفت؟ آیا تهدید دیگری متوجه منافع آمریکا در منطقه و جهان نخواهد بود؟

۳



بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



عابر شایگان

زندگی ما آدم‌ها به چیزهای باریکی وصل است. گاهی یکی دو میخ کوچک فلزی، دروازه‌ی بسته‌ی زندگی را دوباره به روی ما باز می‌کند. گاهی چشیدن طعم شیرین یک توت دست‌مان را از کشیدن تناب مرگ باز می‌دارد. گاهی هوس خوردن یک آلو تمام آرزوی‌مان می‌شود. این چیزهای کوچک همان نقطه‌های عطف زندگی است که روی سکه را برمی‌گرداند. آن چنان که آدمی به معنا، درک، باور و جهان‌بینی تازه‌ای دست می‌یابد. چنان‌چه سید علی رضوانی بعد از ۶۵ روز اسارت و فرار موفقانه از نزد طالبان به آن دست یافته است. حالا اوست که طعم یک آلو سرخ و رسیده را با تمام سلول‌های روی زبانش می‌چشد و از قورت دادنش حظ می‌برد. و آزادی که برای ما کلمه‌ی گنگی است، برای سید علی بزرگ‌ترین دارایی است که یک انسان می‌تواند داشته باشد.

اسارت

سید علی رضوانی، فرزند بزرگ یک مرد دهقان و یک زن خانه‌دار در دایکندی است. در سال ۱۳۸۷ وقتی هنوز نوجوان بود زادگاهش را ترک کرد و به کابل رفت. هنوز مردد بود که درسش را از صنف نهم از سر بگیرد، یا درس و تحصیلش را سر کار بگذارد و لقمه نانی درآورد. دوستانش راه دیگری نشان دادند: نه درس و نه کار، پیوستن به ارتش افغانستان و سربازی و سنگرگیری.

او پس از گذراندن آموزش‌های نظامی و اشتراک در آزمون رقابتی، شامل آموزش‌های مهندسی و میکانیک هواپیماهای نظامی می‌شود. در ادامه به‌خاطر تسلط به زبان انگلیسی و گذراندن موفقانه‌ی آزمون‌های سخت رقابتی واجد شرایط بورس تحصیلی دو ساله به امریکا، هند، چین، و امارات متحده‌ی عربی می‌شود.

در اواخر ماه جوزای پارسال، او با خانم و دختر کوچکش برای گذراندن تعطیلات یک هفته‌ای به ولایت مرکزی دایکندی می‌روند. یک هفته بعد در ۶ سرطان ۱۳۹۹ در مسیر برگشت به کابل، در منطقه‌ی همیشه‌ناامن جلریز میدان وردک به ایست‌بازرسی طالبان بر می‌خورند. فلانکوج حامل مسافران دایکندی به کابل، اوایل صبح آفتاب سرزده در ایست‌بازرسی متوقف می‌شود. افراد طالبان از میان همه‌ی سرنشینان موتور، سه نفری را که در صندلی عقب راننده نشسته بودند، پایین می‌کنند. بعد از بررسی بدنی، نوبت به تجسس در گوشی‌های همراه می‌رسد. در گالری تلفن همراه سید علی رضوانی حدود ۲ هزار قطعه عکس از سفرها، دوستان، خانواده و حین کارش ذخیره شده بود. افراد طالبان همه‌ی عکس‌ها را قطعه به قطعه می‌بینند تا این‌که به ردیف آخر عکس‌های او که همه در کابین هواپیمای نظامی دولت گرفته شده بود، می‌رسند. بعد دروازه‌ی موتور را می‌بندند و او را با خودش در باغی که در فاصله‌ی نزدیک به جاده قرار داشت، می‌برند. اول دستانش را با زنجیر به درخت و بعد چشمانش را با پارچه‌ای می‌بندند. بعد از تحقیق ابتدایی، روی موتورسکلتی سوارش می‌کنند و حدود نیم ساعت به سمت نامعلومی پیش می‌روند. به مقصد که می‌رسند، سید علی را دوباره به درختی می‌بندند. زمانی که چشمانش را باز می‌کنند، او خود را با سه طالب در دامنه‌ی کوهی پرجنگل در درون دره‌ای می‌بیند که سر و ته آن برایش معلوم نیست. بعد او را با شلاق و شکنجه زیر تحقیقات می‌گیرند.

«می‌گفتند تو در دولت چیه‌کار می‌کنی؟ من گفتم من یک انجینر طیاره هستم و به دیگر مسائلش کاری ندارم. آن‌ها باور نمی‌کردند و باور داشتند که من پیلوت هستم. به خاطر همین از من در مورد برنامه‌ها و نقشه‌ها و چگونگی عملیات هوایی می‌پرسیدند. هرچه اصرار کردند من

گفتم که یک انجینر هستم و از این چیزها اطلاع ندارم. با شلاق بسیار زدند و تهدید کردند که ترا همین لحظه می‌کشیم». هوا که تاریک می‌شود، افراد طالبان این عضو نیروهای هوایی را دوباره روی موتورسکلت با چشمان بسته سوار می‌کنند و به جایی نامعلومی انتقال می‌دهند. بعد از این که به مقصد می‌رسند، چشمان او را باز می‌کنند. این بار سید علی خود را در طبقه‌ی دوم یک اتاق کوچک گلی که فقط سه نفر در آن جا می‌شدند، می‌یابد. اولین شب از اسارت، افراد طالبان او را در خانه‌ی‌شان با قورمه‌ی بامیه پذیرایی می‌کنند. بعد از صرف آن، سید علی اسهال می‌گیرد و آن شب برایش جهنم می‌شود. میزبانان با اکراه و بدخلقی اجازه می‌دهند که هرچند لحظه بعد بیرون بروند و دستشویی صحرائی کنند. فردای آن روز طالبان این مهمان خداداده‌شان را با چشم، دست و پای بسته در موتری می‌اندازند و به سمت نامعلومی انتقال می‌دهند.

در مسیر راه، فرد دیگری را هم در موتور حامل او اضافه می‌کنند و دو روز بعد از آن، ساعت ۹ شب آن‌ها را جلوی حویلی بزرگ گلی پیاده می‌کنند. حیثی که آن‌ها می‌خواستند از راه‌پله‌ی خانه درون حویلی بالا بروند، یکی از افراد طالبان سنگی را از وسط راه‌پله بر می‌دارد و به آن‌ها می‌گوید از ریسمانی که درون چاه آویزان است، بگیرند و پایین بروند. نخست سید علی با چشمان و دستان بسته از ریسمان می‌گیرد و داخل چاه می‌پرد. یک‌باره تعادلش را از دست می‌دهد و ریسمان از میان پنجه‌هایش می‌لغزد و با پهلوش به‌شدت به زمین می‌خورد. به‌دنبال او اسیر دومی را هم داخل چاه هدایت می‌کنند. بعدا به آن‌ها دستور می‌دهند که با آرنج‌های‌شان به شکل مارمولک راه باریک درون چاه را به سمت اتاق دو در دو متر پیش بروند. آن‌ها فاصله‌ی چند متری ته چاه و اتاق تاریک و گل‌آلود را سینه‌خیز پیش می‌روند و به سلول مشترک‌شان می‌رسند. آن‌جا چشمان‌شان را باز می‌کنند اما پاهای‌شان را با قفل و زنجیر می‌بندند. برای هر کدام‌شان دو جاجم می‌دهند که یکی را روی گل‌های تر زیرشان بیندازند و دیگری روی‌شان. در گوشه‌ی این سلول، سوراخی به‌عنوان دستشویی، کنده شده و از سقف آن لوله‌ی باریکی به پایین کشیده که از آن آب بنوشند. هم‌بند او که مرد درشت هیكل و پیری است، خود را حاجی نورمحمد، معاون استخبارات گروه طالبان در ولایت غزنی و میدان وردک معرفی می‌کند. اما حالا هر دو زندانی گروه طالبان هستند؛ او به اتهام همکاری با داعش و سید علی به‌عنوان خلبان ارتش دولت افغانستان، که برای طالبان لقمه‌ی چربی به نظر می‌رسد. حاجی نورمحمد به زندانبان طالبان مقدار پولی می‌دهد که برایش یک جلد قرآن و یک ساعت مچی بیاورد. وقتی این لوازم را در اختیارش قرار می‌دهند، هر دو هم‌بند زیر نور لامپ بسیار کوچک زردرنگ که روی سقف سلول از قیل تعبیه شده، همیشه قرآن می‌خوانند و در خلوت دونفری‌شان عبادت می‌کنند.

فرار

سید علی رضوانی، از احتیاط و حساسیتی که افراد طالبان در انتقال و جابه‌جایی او کار می‌گرفتند و از آخرین سلول زیرزمینی که برایش کنده بودند، به این نتیجه رسیده بود که بقیه زندگی‌اش در اسارت طالبان می‌گذرد و یا هم با گلوله‌ای ختم می‌شود. او امید و آرزویی برای آزادی‌اش متصور نبود. هم‌بندش حاجی نورمحمد که گرگ باران دیده بود، بر خلاف او در خواب، در بیداری و در هنگام خواندن قرآن در گوشه‌ی ذهنش دنبال طرح و نقشه‌ای برای آزادی بود. هر موقع که به حرف می‌آمدند، رو به سید علی می‌گفت که خودش را قوی نگهدارد و دنبال فرصتی برای فرار باشد. استواری، اطمینان و نیرویی که در صدای او وجود داشت، به سید علی انرژی

فرار از مرگ:

چه کسی می‌تواند معنای آزادی را بیشتر از سید علی بفهمد؟

روایت ۶۵ روز اسارت یک عضو نیروی هوایی افغانستان در نزد طالبان



حمله‌ی سگ‌ها محفوظ بمانند و هم از دید افراد طالبان. تا این موقع هیچ کدام آن‌ها نمی‌دانستند در کدام ولایت، ولسوالی یا قریه هستند و راه فرار به کدام سمت است. تنها چیزی که می‌دانستند این بود که باید به سمت نزدیک‌ترین کوه پیش بروند. بعدا آن‌ها خود را آهسته‌آهسته از میان خانه‌ها به سمت زمین‌های کشاورزی می‌کشاند و در اولین اقدام، قفل‌های پاهای‌شان را با سنگ می‌شکنند. بعد از آن تمام شب راه می‌روند که خود را از میان خانه‌ها و قلعه‌های بلند گلی بیرون بکشند اما موفق نمی‌شوند. به هر سمتی که می‌روند به کوه‌های بن‌بست و یا به دیوارهای بلند غیرقابل عبور مواجه می‌شوند. نزدیکی‌های صبح که هوا روشن می‌شود خود را در نزدیکی یگانه کوهی که در آن منطقه‌ی دشتی وجود داشته، می‌یابند و به سمت قلعه‌ی آن بالا می‌روند. تمام روز در بلندای کوه در غاری می‌خوابند. شب که می‌رسد دوباره به راه‌شان ادامه می‌دهند. این سفر هفت شبانه‌روز طول می‌کشد. تمام این مدت آن‌ها گرسنگی و تشنگی می‌کشند و از یک قدمی مرگ و گرفتاری دوباره به‌طور اتفاقی نجات می‌یابند.

آن‌ها نمی‌خواستند که به قریه یا جایی بروند که مردم آن‌ها را ببینند، چون تمام آن منطقه که آن‌ها نمی‌دانستند کجاست، در کنترل طالبان بود. بعد از یک هفته کلافگی و جست‌وجوی یافتن راهی برای فرار از منطقه، ناگزیر می‌شوند که به سمت جاده‌ای پیش بروند که برای‌شان معلوم نبود به کجا می‌انجامد. در نهایت به بازار کوچکی می‌رسند و به کمک پیرمردی موتور مسافربری غزنی را سوار می‌شوند.

«در موتور که نشستیم، بی‌اختیار اشک ریختم. سرم را روی دستانم گذاشتم و برای این‌که کسی متوجه گریه‌ام نشود، صورتم را با شال گردن بپاندم. هنوز مطمئن نبودم که نجات پیدا می‌کنیم یا در مسیر راه گیر می‌افتیم».

ساعت ۸ صبح، موتور حامل آن‌ها به شهر غزنی می‌رسد. در ته جیب هر دوی‌شان فقط ۲۰۰ افغانی پیدا می‌شود که کرایه موتور را می‌دهند. بعدا با یک سه چرخه باری به قلعه شهاده غزنی می‌روند تا به خانه یک از اقارب سید علی بروند ولی هیچ آدرس و نشانی از آن نداشتند. به ایستگاه قلعه شهاده که می‌رسند پیش

آن‌ها به توافق می‌رسند که کندن سوراخ را با دو میخ کلفت فلزی که افراد طالبان با آن دیوارهای سلول را پلاستیک زده بودند، آغاز کنند. بیش از یک ماه از سمت بالای اتاق رو به صدای پای رمه‌های گوسفندان شبانه دیوار را می‌کنند. شب آخر که در سطح زمین سوراخ کوچکی باز می‌کنند، با آمدن باد خنک و شنیدن صدای وزش باد در برگ درختان، خوشحال می‌شوند که سمت درستی را انتخاب کرده‌اند.

آن‌ها بعدا آمادگی فرار را می‌گیرند. نصف نانی را که زندانبان طالبان صبح و شب برای‌شان می‌داد، برای چند روز ذخیره می‌کنند. از روی ساعت مچی که از حاجی نورمحمد جامانده بود، زمان دقیق فرار را تعیین می‌کنند. هر دو نماز شب‌شان را می‌خوانند و رازونیا‌های‌شان را می‌کنند و قرآن به‌جامانده از حاجی نورمحمد را در کمرشان می‌بندند و ساعت که ۱۲ شب می‌شود، با ترس و دلهره پشت‌سرم از سوراخی که بیش از یک ماه کنده بودند، بیرون می‌شوند.

«۹۹ درصد احتمال داشت که ما دوباره دستگیر و یا کشته شویم. فقط یک درصد احتمال فرار موفقانه وجود داشت. زندگی برای ما همین قدر خواستنی بود که نخواستیم همان یک درصد شانس را از دست بدهیم».

در دنیای بیرون از سلول اولین زنده‌جانی که متوجه آن‌ها شدند، سگ‌ها بودند. آن‌ها وقتی با حمله‌ی شدید سگ‌ها مواجه می‌شوند با پاهای بسته در زنجیر، خود را در نزدیک‌ترین جوی آب می‌اندازند تا هم از دستگیر و یا کشته شویم. فقط یک درصد احتمال فرار موفقانه وجود داشت. زندگی برای ما همین قدر خواستنی بود که نخواستیم همان یک درصد شانس را از دست بدهیم».

تمام روز در بلندای کوه در غاری می‌خوابند. شب که می‌رسد دوباره به راه‌شان ادامه می‌دهند. این سفر هفت شبانه‌روز طول می‌کشد. تمام این مدت آن‌ها گرسنگی و تشنگی می‌کشند و از یک قدمی مرگ و گرفتاری دوباره به‌طور اتفاقی نجات می‌یابند.

می‌داد که تسلیم نشود و چراغ امید را در کنج دلش روشن نگه دارد. رفته‌رفته حرف‌های حاجی نورمحمد روی سید علی تأثیر می‌گذارد و عضو نیروی هوایی ارتش کشور در خودآگاه و ناگاهش نقشه‌ای برای فرار طرح می‌کند. بعدا طرح‌های فرار خود را باهم شریک می‌کنند. هردو روی کندن تونل توافق می‌کنند اما این‌که از چه سمتی و با چه ابزاری به نتیجه نمی‌رسند. حاجی نورمحمد می‌گوید که دسته‌ی ترمز چای‌شان را بشکنند و از سقف سلول به سمت بالا سوراخ کنند. سید علی محتاطانه‌تر فکر می‌کند و می‌گوید با سوراخ کردن به سمت بالا، سر از وسط خانه‌ی افراد طالبان در می‌آورند. بعد از چندین روز دقت و زیرنظر گرفتن نشانه‌ها، دو مورد سید علی را به نتیجه‌ی بهتری می‌رساند.

«یکی نور ضعیفی بود که در اطراف لوله‌ی آب که از سقف به اتاق آمده بود و دیگری صدای پای رمه‌ها که هر از گاهی از سمت دیوار گلی شنیده می‌شد. این نور در حال تغییر بود. من نتیجه گرفتم که اگر اتاق ما در زیر خانه باشد، این نور برق است و باید همیشه ثابت باشد در حالی که همیشه تغییر می‌کرد. دوم از صدای پای رمه‌ها به این نتیجه رسیدم که این‌جا راه است و باید به همین سمت سوراخ کنیم». حاجی نورمحمد و سید علی در عین اختلاف روی تعیین سمت کندن سوراخ، سرانجام به این نتیجه می‌رسند که نقشه‌ی‌شان را عملی کنند. چند شبانه‌روز هر دو دل‌دل می‌کنند که کندن را آغاز کنند اما آن جرئت و اطمینانی که برای آغاز کار لازم بوده، در وجودشان هنوز خانه نکرده بود. اما پیش از این‌که آن‌ها دست به کار شوند، افراد طالبان یک سرباز ارتش را اسیر می‌گیرند و در سلول آن‌ها اضافه می‌کند. سید علی یکی از دو جاجم خود را به او می‌دهد، زیرا او هیچ چیزی برای خوابیدن نداشته است. بعدا افراد طالبان حاجی نورمحمد را از سلول بیرون می‌برند و دیگر آن‌ها هرگز همدیگر را نمی‌بینند. نقشه‌ی فرار سید علی بعد از رفتن او روی دستش می‌ماند. محمدموسا هم‌بند جدید او، هیچ اراده و توانایی برای فرار نداشته است. سید علی روزها با او صحبت می‌کند و برایش روحیه و انگیزه برای همراهی در اجرای نقشه‌ی فرار می‌دهد. روی‌هم‌رفته

گزارش

محاصره‌ی شهر هرات و سقوط گمرک‌ها

مردم نگران سقوط شهر و افزایش بهای مواد اولیه‌اند

■ واجد روحانی

باشندگان ولایت هرات در غرب افغانستان در دو دهه‌ی اخیر خطر حاکم‌شدن طالبان بر ولایت‌شان را به شکلی که این روزها دیده می‌شود، احساس نکرده بودند. آن‌ها این روزها شاهد خارج‌شدن ولسوالی‌های هرات از کنترل دولت‌اند؛ ولسوالی‌هایی که با درگیری و یا بدون درگیری به‌دست طالبان افتاده‌اند.

طالبان فراتر از ولسوالی‌ها حالا حلقه‌ی محاصره مرکز شهر هرات را تنگ‌تر کرده‌اند و به گفته‌ی عبدالصبور قانع، والی هرات حالا گمرک‌های اسلام‌قلعه و تورغندی نیز به تصرف طالبان درآمده‌اند. او روز شنبه در یک نشست خبری گفت: «حالا دوباره نیروها را انسجام می‌دهیم و جنگ این قسم مشکلات [سقوط ولسوالی‌ها] دارد. ما در حال انسجام نیروهای امنیتی هستیم، تا ساحات از دست‌رفته را دوباره به‌تصرف خود بیاوریم و از کنترل طالبان خارج کنیم. برنامه‌های بازپس‌گیری ولسوالی‌ها در وقت و زمانش عملی می‌شود.»

او هرچند به هراتیان اطمینان داد که کمربندهای امنیتی شهر هرات با حضور نیروهای دولتی و نیروهای خیزش مردمی تقویت شده است اما ترس از هجوم طالبان همچنان در هرات پابرجاست.

محمد احمدی، یکی از ساکنان هرات به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که در شوک عظیم حمله‌ی احتمالی گسترده طالبان به شهر به‌سر می‌برد و به‌نظر نمی‌رسد که نیروهای دولتی قادر به مهار این هجوم باشند: «شاید به‌زودی طالبان شهر هرات را تصرف کنند، اما حکومت می‌تواند که با استحکام کمربند امنیتی شهر، هرات را به‌دست طالبان تسلیم نکند.» نگرانی محمد، دغدغه اصلی این روزهای اغلب هرات‌نشین‌ها است. آنانی که از تکرار حاکمیت رژیم طالبان در نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی در هرات نگران هستند.

آوارگی

شعله‌ورشدن جنگ در اغلب ولسوالی‌های هرات در کنار زبان‌های مرگبارش آوارگی زیادی را نیز در پی داشته است. بیش‌تر آوارگان به‌شمول گل محمد، در خانه اقوام‌شان، شب و روزشان را می‌گذرانند. او باشنده‌ی اصلی ولسوالی غوریان هرات است و حالا در این ولسوالی پرچم سفید رنگ امارت اسلامی طالبان به‌چشم می‌خورد.

او از حکومت می‌خواهد که ولسوالی غوریان را از تصرف گروه طالبان پاک‌سازی کند تا بتواند دوباره به زادگاهش برگردد: «آوارگی در هرات خیلی سخت است و ما مجبور شدیم که به خانه قوم‌های خود برویم. نباید غوریان به‌دست طالبان سقوط می‌کرد.»

قیام مسلحانه

با تیرگی اوضاع امنیتی، شماری از هراتیان به فرماندهی محمداسماعیل خان (یکی از فرماندهان پیشین جهادی) جمع شده‌اند. این فرمانده جهادی روز جمعه ۱۸ سرطان، حرکت موسوم به مقاومت مردم حوزه جنوب‌غرب را شکل داد تا این حرکت نیروی بازدارنده علیه پیشروی طالبان باشد.

محمداسماعیل خان از تمام هراتیان خواست تا با بسیج عمومی، جلو حملات فزاینده طالبان به هرات را بگیرند: «ما حرکت مقاومت مردمی حوزه جنوب‌غرب را از ساکنان ولایت‌های بادغیس، فراه، هرات، غور، نیمروز، فاریاب، هلمند و هرات شکل داده‌ایم. فردا همگی کمر خود را ببندید. ما باید

بزرگ‌ترین نعمت آزادی است که من حالا دارم. حالا وقتی میوه‌ای را می‌خورم احساس می‌کنم بیشترین و بهترین لذت دنیا را می‌برم. در کنار خانواده خود هستیم. وقتی اسیر بودم فقط آرزو داشتم که یک‌بار دیگر دختر خود، کوثر را ببینم. حالا که می‌بینم واقعا از خدا سپاس‌گزار هستم.»

سید علی رضوانی، بعد از آزادی خلاف عهد خودش، دوباره به نظام برگشت. ۱۳ سال می‌شود که در نیروی هوایی افغانستان کار می‌کند. اما برگشتن دوباره‌اش به نظام، خلاف انتظاری است که او داشته است. بخش امنیت فرماندهی نیروهای هوایی، او را زیر تحقیق و بررسی قرار می‌دهد و کارش را از کابل به ولایت ناملن ارزگان منتقل می‌کند: «من این تصمیم را نپذیرفتم و به فرماندهی نیروی هوایی شکایت درج کردم. گفتم اگر من جرم دارم و مرتکب اشتباهی شده‌ام باید مرا رسماً محاکمه کنید. و اگر این‌طور نیست چرا مرا بدون دلیل تبدیل می‌کنید. بعداً فرمانده نیروی هوایی اعتراض مرا پذیرفت و به زیردستانش تماس گرفت که اگر مشکلی دارد مجازاتش کند و اگر نه چرا این کار را در حق او می‌کنید.»

او از وزارت دفاع شکایت‌هایی هم دارد. می‌گوید وقتی افراط طالبان از بند یا اسارت رها می‌شوند، مورد ستایش و پاداش قرار می‌گیرند اما نیروهای ارتش دولت وقت مبادله و یا به شجاعت خود فرار می‌کنند، به جای پاداش، وظیفه‌ی‌شان تبدیل، امتیازات‌شان کم و سرزنش می‌شوند: «من انتظار داشتم که وزارت دفاع به‌خاطر شجاعت و قهرمانی‌ام و نجات جان خود و یک سرباز دیگر، که اگر من نمی‌بودم، دو انسان ضایع می‌شد و دو خانواده بی‌سرپرست و داغدار می‌شدند، مرا مورد تقدیر و تشویق قرار می‌داد. گلاهی دیگر من این است که در جریان تبادل‌ی زندانیان طالبان، برای هرکدام آن‌ها ۲۰ هزار افغانی، لباس جدید و لنگی و تقدیرنامه دادند و با افتخار آزادشان کردند. اما کوچک‌ترین توجه به سربازان اردوی ملی وقتی از اسارت رها یا فرار می‌کنند، نمی‌شود. نه تنها که پاداش نمی‌دهند، هنوز امتیازات‌شان قطع می‌شود و از بست‌شان هم تبدیل می‌شوند.»

آقای رضوانی به کمک استادان دانشگاه خود، خاطرات این ۶۵ روز اسارت خود را نوشته و قرار است آن را به‌زودی چاپ و منتشر کند. او می‌گوید خاطراتش از آن جهت مهم است که نگاه ستایش‌آمیزی به زندگی دارد. زندگی‌ای که گاهی به چیزهای کوچک و نامهمی گره می‌خورد اما تأثیر اعجاب‌انگیزی به‌جا می‌گذارد. مثل دو میخی که زندگی سید علی و محمدموسا را از مرگ حتمی نجات داد. و یا مثل چند دانه توتی که یکی از شخصیت‌های فیلم «طعم گیلاس» عباس کیارستمی را از خودکشی باز می‌دارد. راوی که پیردمرد ساده‌دل و مهربانی است در شکل و شمایل رهگذری در این فیلم ظاهر می‌شود و سرگذشت خود را این‌گونه روایت می‌کند: «اول ازادجام بود. هر نوع ناراحتی و مشکلات در زندگی‌ام بود. خسته شده بودم. یک روز صبح وقتی بلند شدم، تناب را برداشتم که بروم خودکشی کنم. نزدیک خانه‌ی ما توتستان بود. هوا تاریک بود. تناب را هرچه بالا می‌انداختم به شاخه‌ای گیر نمی‌کرد. آخر خودم رفتم بالای درخت، تناب را بستم. یک‌بار دستم خورد به چیزی نرمی. توت بود. چه توت شیرینی. شیرین بود. اولی را خوردم. دومی را خوردم. سومی را خوردم. یک وقت دیدم هوا روشن می‌شود. آفتاب زده است بالا. چه آفتابی! چه منظره‌ای! چه سبزه‌زاری! یک وقت دیدم صدای بچه‌ها می‌آید. بچه‌های مدرسه بود. آمدند دیدند من توت می‌خورم، گفتند آقا درخت را تکان بده. منم درخت را تکان دادم و این‌ها توت خوردند. این‌ها می‌خوردند من کیف می‌کردم. یک خرده منم جمع کردم آدمم خانه. خانم هنوز خواب بود. یک خرده توت به او هم دادم. او هم خورد. او هم کیف کرد. رفته بودم خودکشی کنم، توت چیدم آوردم. آقا یک توت ما را نجات داد. یک توت.»

هرکس رو می‌اندازند که به آن‌ها تلفن همراه‌شان را بدهند که یک زنگ کوتاه بزنند اما وقتی مردم نگاهی به سر و وضع و قیافه‌ی آن‌ها می‌اندازند، بدون تردید فکر می‌کنند که با دو معتاد طرف هستند. پس از اصرار بسیار و شرح ماجرا، یکی حاضر می‌شود که تلفنش را به سید علی بدهد تا زنگ کوتاهی به پسرخاله‌اش بزند. وقتی به خانه‌ی او می‌روند، پس از صرف غذا، گرفتن دوش و رفع خستگی، برادر سید علی این مسأله را به فرماندهی نیروهای هوایی در کابل گزارش می‌دهد. از کابل به او تماس می‌گیرند که موقعیت فعلی او جای خطرناکی است و فوراً باید آن‌جا را ترک کند. محمدموسا همبند فراری او همان لحظه، زمینی به سمت خانه‌اش در پنجشیر راهی می‌شود. سید علی به کمک راننده والی غزنی به فرودگاه غزنی می‌رود و از آن‌جا با هواپیمای نظامی به کابل منتقل می‌شود.

پیش از این‌که او به خانه برسد، همه‌ی بستگان و اقاربش در خانه به استقبال او جمع شده بودند. وقتی همدیگر را دیدند، سر به سر افتادند و روی شانه‌های همدیگر گریستند. دیگر فرصت قصه و درد دل نبود. این عضو نیروی هوایی ارتش هنگامی که در بند طالبان بود، فکر نمی‌کرد که آزاد شود و زن و بچه خود را دوباره ببیند. در تمام دوران اسارت از تمام مسائل زندگی تنها چیزی که در فکر او می‌گذشت این بود که پدر و مادر پیرش وقتی بشنوند که او اسیر و کشته شده، چگونه این غم و اندوه را تحمل خواهند کرد. او فرزند بزرگ خانواده است و مسئولیت تأمین مخارج شش خواهر و برادر، پدر و مادر پیر و شکسته و همسر و دخترش را به عهده دارد.

سید علی هیچ امید دیگری برای آزادی‌اش نداشت. آن‌هم وقتی افراد طالبان او را در چاه انداختند و برایش هشدار دادند که اگر همکاری نکند او را در روغن داغ می‌اندازند: «هیأت تحقیق طالبان از من می‌پرسیدند که با ما چه همکاری می‌توانی؟ پلان عملیات هوایی را به ما بگو. چه کار کنیم که عملیات هوایی را خنثا بکنیم؟ من می‌گفتم که من از عملیات هوایی چیزی نمی‌دانم. من یک انجینر ساده هستم. هرچه تهدید کردند من از حرف خود نگذشتم. وقتی ما را داخل چاه انداخت از یک طالب پرسیدم که احتمال آزاد شدن ما هست؟ گفت نه. کسانی که آزاد یا تبادل می‌شوند، جایش این‌جا نیست.»

بعد از حاجی نورمحمد، تکیه‌گاه بزرگ سید علی، محمدموسا بوده است. سرباز اهل پنجشیر، عضو قول اردوی سیلاب در ننگرهار. او در جریان سفرش از کابل به هرات، در ولایت غزنی توسط افراد طالبان شناسایی و از موتر مسافربری دستگیر می‌شود. موسا که برای طی مراحل اکرامیه‌ی برادرش که در قول اردوی ظفر سربازی می‌کرده و چند سال قبل کشته شده بود، به هرات می‌رفته است. موسا هم‌سن‌وسال سید علی، ۳۱ سال داشته و گوش‌هایش سنگین بوده است. او تنهایی تاریخ و خلوت سلول زیرزمینی را با قصه‌گویی‌هایش پرمی‌کرده است. بیشترین وقت آن‌ها به کندن تونل و عبادت می‌گذشته است. زمانی که سید علی از دلنگی اشک می‌ریخته است، او برایش قصه می‌گفته است. قصه‌هایی از زندگی، سربازی و گاهی هم جوک و فکاهی.

سید علی در آن‌جا تصمیم می‌گیرد که اگر آزاد شود و به زندگی برگردد، دیگر هرگز به نظام برنگردد و به‌جای آن دست فقرا و تنگ‌دستان را بگیرد. حالا او که به زندگی برگشته، تغییرات بزرگی در زندگی‌اش رقم خورده و به درک جدیدی از زندگی رسیده است. ماهیانه مقدار مشخصی از معاش خود را به فقرا اختصاص داده و برای بهبود زندگی‌شان تلاش می‌کند.

«وقتی به زندگی برگشتم، کاملاً تغییر کردم. زندگی‌ام دیگر مادی‌گرایی نیست. حالا فکر می‌کنم چیزهای که نیاز دارم، دارم؛ آزادی.

حوزه جنوب‌غرب را از این وضعیت نجات بدهیم.» در گام نخست تمرکز محمداسماعیل خان برای تحکیم کمربند امنیتی هرات است، تا سد مستحکم علیه تهاجم طالب را شکل بدهد. او مدعی است که هم‌اکنون شمار زیادی از افراد سلاح به‌دست گرفته‌اند و از هرات دفاع می‌کنند.

عبدالصبور قانع، والی هرات از میزان بلند علاقمندی مردم برای قیام علیه طالبان خبر می‌دهد. به گفته‌ی او «نیروهای ما در حال بسیج در هرات هستند و نیروهای مردمی در کنار نیروهای امنیتی هستند. مردم مراجعه کرده‌اند و خواهان سهم‌گرفتن در سرکوب طالبان هستند. ما روی یک برنامه کار می‌کنیم که نیروهای امنیتی و دفاعی به حالت تعرضی قرار بگیرند. به هراتیان اطمینان می‌دهیم که وضعیت در حال بهبودی کامل است.»

نیروهای مردمی در کنار نیروهای دولتی در بخش‌هایی از شهر هرات سلاح به‌دست‌گرفته‌اند تا جلو تحرکات طالبان را بگیرند. محمد مجاهدزاده، یکی از این نیروها به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که تا آخرین مرمی در کلاشینکفش در مقابل طالبان خواهد ایستاد: «ما وقتی دیدیم که طالبان ولسوالی‌ها را می‌گیرند، ما هم مسلح شدیم و از مردم خود دفاع می‌کنیم.»

نیروهای خیزش مردمی در ولسوالی‌های گذره و کرخ هرات نیز شکل گرفته بود اما به نظر می‌رسد که این نیروها در جنگ رو در رو با طالبان مؤثر نبوده است. ولسوالی کرخ هم‌اکنون در کنترل گروه طالبان است.

افزایش بهای مواد اولیه

پس از افتادن گمرک‌های اسلام‌قلعه و تورغندی هرات به‌دست طالبان، مردم به خرید مواد اولیه و گاز روی آورده‌اند تا با دوام مسدودبودن گمرک‌ها، تا مدتی از خرید این مواد با قیمت بلند بی‌غم باشند. اما هجوم سیل‌آسای مردم برای خرید مواد اولیه، قیمت این مواد نیز بلند رفته و به افزایش قیمت در بازار منجر خواهد شد. هم‌اکنون در قیمت هر بوجی برنج و آرد تا ۱۵۰ افغانی افزایش به‌وجود آمده است.

ایران نیز اعلام کرده است که مرزهای خود را با افغانستان برای نقل و انتقال کالا مسدود کرده است. نزاراحمد ناصری، سرپرست گمرک هرات به روزنامه اطلاعات روز گفت که گروه طالبان گمرک‌های اسلام‌قلعه و تورغندی را به تصرف‌شان در آورده‌اند.

آمار مسئولان در اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد کالاهای افغانستان از طریق گمرک‌های هرات وارد می‌شود. احمدسعید صدیقی، معاون این اتاق در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که انبارهای مواد غذایی و نفتی تاجران هرات برای حداکثر یک ماه خالی نخواهد شد.

او اما نگران بلندرفتن قیمت مواد اولیه به‌دلیل مسدودشدن دوام‌دار گمرک‌های اسلام‌قلعه و تورغندی است: «قرار است که روز دوشنبه طالبان با تاجران هرات بنشینند و در مورد آغاز فعالیت گمرک صحبت کنند تا نباید فعالیت گمرک متوقف شود و این به زیان همگی مردم کشور است.»

او هشدار می‌دهد که توقف فعالیت‌های گمرکی در هرات، فعالیت کارخانه‌های تولیدی شهرک صنعتی هرات را به مشکل مواجه خواهد کرد و احتمال بی‌کاری کارمندان شهرک صنعتی وجود دارد.

هرات یکی از مهم‌ترین ولایت‌های افغانستان به لحاظ اقتصادی شمرده می‌شود، اما شدت‌گیری جنگ قطب اقتصادی افغانستان را به‌شدت به لرزه درآورده است.



هزاران معترض در سراسر کوبا به خیابان‌ها آمدند

د کوبا در شرق این کشور. معترضان در ویدیوهایی که از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، می‌گویند که «نه غذا موجود است و نه دارو، و مردم مجبورند که هر چیزی را از فروشگاه‌هایی بخرند که در آنجا فقط ارز خارجی پذیرفته می‌شود».

دیاز-کانل اما در نطق تلویزیونی خود ضمن هشدار به معترضان گفت: «ما از همه انقلابیون در کشور و از همه کمونیست‌ها می‌خواهیم که خیابان‌ها را تصرف نکنند، هر جایی که دیدید تلاش برای تحریک مردم می‌شود».

کوبا تحت حکومت کمونیستی طی دو سال اخیر درگیر بحران اقتصادی عمیقی بوده که دولت این کشور و ویروس کرونا و تحریم‌های ایالات متحده را عامل اصلی آن می‌داند، اما مخالفان معتقدند که بی‌صلاحیتی حاکمان و نظام تک حزبی آن باعث این شرایط شده است.

نفر از مردم دست به تجمع اعتراضی زدند. چندین نفر از معترضان بازداشت شده‌اند، اما برخورد عمده‌ای گزارش نشده است.

اعتراضات نخست در شهر سن آنتونیو د لوس بانوس در استان آرتمیسا رخ داد که در مجاورت هاوانا واقع است. ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد نشان می‌داد صدها نفر از ساکنان این شهر به خیابان‌ها آمده‌اند و علیه دولت کوبا شعار می‌دهند.

دیاز-کانل که در واکنش به این رخداد سفر کوتاهی به سن آنتونیو د لوس بانوس داشت در بازگشت گفت که اعتراضات واقعی بوده، اما «مزدوران» ایالات متحده در شبکه‌های اجتماعی با به راه انداختن کمپین‌هایی از آن سوءاستفاده کرده‌اند.

با این حال اعتراضات در طول روز یکشنبه گسترش یافت و به شهرهای مختلف رسید، از هاوانا گرفته تا پالما سوریانو

اطلاعات روز: هزاران نفر از مردم کوبا روز یکشنبه ۲۰ سرطان در اعتراض به محدودیت‌های ایجاد شده در رابطه با ویروس کرونا، سرعت واکسیناسیون و آن چه بی‌توجهی دولت نامیده‌اند، به خیابان‌های هاوانا، سانتیاگو و دیگر شهرهای این کشور آمدند.

خبرگزاری رویترز از اعتراضات روز یکشنبه در کوبا به عنوان اقدامی نادر نام برده است. اما میگوئل دیاز-کانل، رئیس‌جمهور کوبا که رهبری حزب کمونیست را نیز بر عهده دارد در یک نطق تلویزیونی وقوع اعتراضات در کشور را به ایالات متحده نسبت داد.

به نقل از رادیو فردا، طبق این گزارش، جیب‌های مسلح یگان‌های ویژه در خیابان‌های هاوانا مستقر شده‌اند در حالی که آقای دیاز-کانل از هواداران خود خواسته است که با «اقدامات تحریک‌آمیز» مقابله کنند.

به‌رغم حضور سنگین پولیس در مرکز شهر هاوانا، هزاران



دو مقام سابق اردن به جرم تلاش برای سرنگونی ملک عبدالله به ۱۵ سال زندان محکوم شدند

عبدالله ابراز وفاداری کرد. پادشاه اردن در آن زمان گفت که تصمیم گرفته به مسئله برادر ناتنی‌اش در چارچوب خانواده سلطنتی هاشمی رسیدگی کند.



اتهام فتنه و تحریک علیه سلطنت

دادگاه امنیتی امان دو مقام سابق را در اتهامات «تحریک علیه نظام حاکم» و «فتنه‌انگیزی» مجرم شناخت.

دادگاه اعلام کرد که شواهد کافی برای اثبات اتهامات این دو نفر را در اختیار داشته و افزود که متهمان با تحریک شاهزاده حمزه برای دست گرفتن قدرت در صدد آسیب‌زدن به نظام سلطنتی بوده‌اند.

همچنین گفته شده که متهمان امید به حمایت محمد بن سلمان، ولیعهد پرنفوذ عربستان، بسته بودند.

باسم عوض‌الله تابعیت عربستان را هم دارد و در نشست‌های مهم در زمینه سرمایه‌گذاری در عربستان حضور داشته است.

او علاوه بر نزدیکی به ولیعهد عربستان، با محمد بن زاید ولیعهد امارات متحده عربی هم مرتبط است و گفته می‌شود در خریدن زمین‌های فلسطینی در اطراف بیت‌المقدس که چند ماه پیش با حمایت امارات انجام شد، نقش داشته است.

اطلاعات روز: دادگاهی در اردن دو مقام ارشد پیشین را به جرم اقدام برای براندازی حکومت ملک عبدالله، پادشاه اردن، و تلاش برای به قدرت رساندن ولیعهد سابق به ۱۵ سال زندان محکوم کرد.

به گزارش بی بی سی فارسی، باسم عوض‌الله، رئیس سابق دربار و شریف حسن بن زید، از اعضای درجه دو خاندان سلطنتی و نماینده پیشین اردن در عربستان، متهم بودند که با هدف کودتا علیه ملک عبدالله، با شاهزاده حمزه، برادر ناتنی او همدست شده‌اند.

شاهزاده حمزه بن حسین، ولیعهد سابق اردن، جزو متهمان این دادگاه نبود. او حدود سه ماه پیش به ظن تلاش برای کودتا تحت بازداشت خانگی قرار گرفت اما بعد از چند روز به ملک

ظریف ادامه مذاکرات احیای برجام را به دولت رئیسی سپرد

حداکثر ۶۱۰۴ دستگاه سانتریفیوژ آ‌آ‌۱ را اجرا خواهد کرد.

ظریف با اشاره به این که «ممکن است ضرر همه طرف‌ها یکسان نباشد»، تاکید کرد: «به همین دلیل رسیدن به توافق نیازمند شهادت، ایشار و آمادگی برای هزینه از آبرو و رجحان بخشیدن منافع ملی به مصالح شخصی است.»

بر اساس قانون «اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام» که پس از توافق وین در مجلس ایران به تصویب رسید، وزیر امور خارجه ایران موظف است روند اجرای توافقنامه را هر سه ماه یک بار به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گزارش دهد.



اطلاعات روز: محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران با شرح جزئیاتی از مذاکرات وین درباره احیای برجام ابراز امیدواری کرد «آنچه تاکنون امکان تحقق آن فراهم شده» در دولت ابراهیم رئیسی «تکمیل شود».

به گزارش ایران اینترنشنال، ظریف در بیست و دومین و آخرین گزارش خود به عنوان وزیر خارجه به کمیسیون امنیت ملی مجلس درباره روند اجرای برجام، توضیحاتی درباره تحولات مذاکرات وین درباره برجام نیز ارائه کرده است.

او در این باره نوشت: «بر اساس چهارچوبی که تاکنون در مذاکرات وین به دست آمده است، در صورت حصول توافق و بازگشت امریکا به برجام، کلیه تحریم‌هایی که وفق برجام رفع شده بودند، مجدداً رفع خواهند شد. علاوه بر این، کلیه تحریم‌های ترامپ که در صورت استمرار عضویت امریکا در برجام، نمی‌توانستند وضع شوند نیز رفع خواهند شد.»

ظریف تحریم‌ها علیه دفتر رهبر جمهوری اسلامی را یکی از این موارد ذکر کرده است. همچنین به گفته وزیر خارجه ایران، در صورت بازگشت امریکا به برجام، جمهوری اسلامی نیز تعهدات هسته‌ای خود از جمله «اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و نظارت حساب‌شده بر تعهدات برجامی»، «غنی‌سازی اورانیوم در سطح حداکثر ۳/۶۷ درصد» و «استفاده از

سفر نمایندگان امریکا به هائیتی برای بررسی قتل رییس جمهوری این کشور



او در ماه فوریه مدعی شد که نقشه برکناری و قتلش لو رفته است.

رهبر جدید هائیتی کیست؟

طبق قانون اساسی هائیتی، در صورت مرگ رییس‌جمهوری، انتخاب جانشین با مجلس این کشور است.

اما هائیتی در حال حاضر فاقد مجلس است.

قانون اساسی پیشنهادی رییس‌جمهوری سابق که به همه پرس‌و‌گذاشته نشده، نخست وزیر را جانشین رییس‌جمهوری معرفی کرده است.

پیش از کشته شدن آقای موییس، کلاود ژوزف کفیل نخست‌وزیری هائیتی بود و آریل هانری هم به عنوان نامزد نخست‌وزیری انتخاب شده بود ولی هنوز مراسم تحلیفش را به جا نیاورده است.

از سوی دیگر، تعدادی از احزاب سیاسی با صدور بیانیه ای از ژوزف لامبر، رییس سنا به عنوان رییس‌جمهوری جدید نام برده اند و آقای هانری را به عنوان نخست‌وزیر به رسمیت شناخته اند.

گروه بودند که اکثرشان شهروند کلمبیا هستند و دو نفر از آنها تابعیت دوگانه هائیتی-امریکایی دارند.

آنها با هجوم به اقامتگاه ژونل موییس او و همسرش را به رگیار بستند.

مارتین موییس در این حمله به شدت مجروح شد و برای درمان به امریکا منتقل شد.

به گفته خانم موییس حمله طوری رخ داد که همسرش فرصت حرف زدن پیدا نکرد.

هنوز معلوم نیست چه فرد یا گروهی در این سوء قصد دست داشته و انگیزه این قتل چه بوده است.

آقای موییس در سال ۲۰۱۷ به ریاست جمهوری هائیتی رسید.

او که در پی تغییر قانون اساسی بود، انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۹ را برگزار نکرد و از آن زمان هائیتی فاقد پارلمان است.

آقای موییس به فساد متهم بود و هائیتی در ابتدای سال ۲۰۲۱ شاهد تظاهرات علیه او بود.

اطلاعات روز: هیأتی متشکل از مقام‌های امنیتی و قضایی امریکا برای بررسی قتل ژونل موییس، رییس‌جمهوری سابق هائیتی به این کشور سفر می‌کند.

به نقل از بی بی سی فارسی، هیأت امریکایی قرار است ضمن تحقیق درباره سوء قصد به جان آقای موییس، با سه سیاستمداری که ادعای رهبری هائیتی را دارند، دیدار کند.

پیش از این دولت هائیتی از امریکا و سازمان ملل متحد خواسته بود تا به این کشور سرباز اعزام کنند تا از زیرساخت‌های فقیرترین کشور در نیم کره غربی حفاظت کنند.

امریکا در ابتدا با این درخواست مخالفت کرد ولی دولت جو بایدن گفته است این درخواست را بررسی خواهد کرد.

آقای موییس که ۵۳ سال سن داشت، هفتم جولای در اقامتگاه خود در پورتوپرنس به دست مهاجمان مسلح متشکل از مزدوران خارجی به قتل رسید.

بنا بر اعلام پولیس هائیتی، ۲۸ شهروند خارجی عضو این



رابطه ایران و طالبان؛ سراسیمگی ایران برای تطهیر و مشروعیت بخشی به طالبان

و حیدالله شمس

روابطی فراتر از گفت‌وگو دولت-ملت در دو سوی مرز با یکدیگر دارند. مهاجران افغان ساکن ایران در طول چند دهه حضور خود در این کشور به رشد و شکوفایی اقتصادی ایران کمک قابل توجهی کردند. نیروی کار ارزان و قابل دسترسی که از کمترین توجه کارفرمایان و دولت ایران بهره‌مند بودند. آن‌ها نه تنها در رشد و شکوفایی ایران در دوران سازندگی این کشور نقش به‌سزایی داشتند، بلکه در دوران جنگ ایران و عراق نیز نقش قابل توجهی را به‌عنوان نیروی جنگی ایفا کردند. اقلیتی که علی‌رغم چندین دهه مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و ... در ایران از حداقل‌ترین امکانات زندگی و حمایت‌های حقوقی در ایران بهره‌مند بودند.

چالش‌های سیاسی-ایدئولوژیکی ایران و غرب به‌خصوص آمریکا، همواره مانع جدی حضور ایران در منطقه و افغانستان بوده است. عمق این چالش‌ها به‌حدی بوده که گاهی به‌روی روابط دو همسایه اثر گذاشته است. با این وجود ایران همواره تحولات افغانستان را به‌دقت دنبال کرده و تلاش کرده منافع برای خود در این کشور تعریف کند. منافع که بدون استثنا وجه غالب آن در ضدیت با آمریکا و منافع این کشور تدوین شده است. در حالی که به باور بسیاری از کارشناسان مسائل سیاسی-اقتصادی، ایران به‌دلیل اشتراکات تاریخی و فرهنگی‌اش با افغانستان و اهمیت نقش همسایگی‌اش، می‌تواند در به‌وجود آمدن صلح پایدار در افغانستان، سهم اساسی داشته باشد.

در گفت‌وگویی که چند ماه قبل محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران با یکی از رسانه‌های داخلی کشور داشت، مدعی شد که ایران همچنان گروه طالبان را یک گروه تروریستی می‌داند. آقای ظریف همچنین عنوان کرد که «ضروری است طالبان بخشی از راه‌حل آینده‌ی افغانستان باشند نه راه‌حل آینده‌ی افغانستان».

هفته گذشته شماری از چهره‌های سیاسی و اجتماعی افغانستان و گروه طالبان میزبان نشست‌های در تهران بودند که آن را آقای ظریف میزبانی می‌کرد. ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی طالبان در ارتباط با این نشست در تویتر خود نوشت که در این نشست، طرفین در مورد مسائل مهاجران افغان در ایران و همچنین

مردم و نخبگان سیاسی افغانستان به‌شدت نگران ماجراجویی‌های ایران در منطقه و افغانستان هستند. ماجراجویی‌های نظامی، ایدئولوژیک، جنگ‌های نیابتی و ایده‌هایی چون صدور انقلاب اسلامی که همه بخشی لاینفک از استراتژی‌های بیرون‌مرزی و سیاست خارجی این کشور است. در طول سال‌هایی که نیروهای بین‌المللی و آمریکا در افغانستان حضور داشتند، ایران در تفسیرهای رسمی خود حضور آمریکا در افغانستان را نامشروع می‌دانست و این کشور را به‌عنوان اشغال‌گر یاد می‌کرد. اکنون که دو دهه حضور هژمونیک آمریکا در افغانستان رو به پایان است، ایران فرصتی یافته تا از خلاء حضور آمریکا به نفع مقاصد نظامی و جنگ‌های نیابتی خود در افغانستان استفاده کند. مردم و نخبگان سیاسی افغانستان نگران موج جدیدی از جنگ‌های نیابتی ایران و ماجراجویی‌های این کشور با کشورهای مانند عربستان و سایرین است. آن‌چه ایران و طالبان را به یکدیگر نزدیک کرده است، در مرحله اول تنفر و انزجار از آمریکا و سپس رویکرد ایدئولوژیک گروه طالبان و ایران است. این مسائل در کنار نگرانی‌های امنیتی ایران از قدرت‌گرفتن طالبان، موجب شد که نخبگان سیاسی-مذهبی ایرانی و رسانه‌های این کشور در ماه‌های اخیر به‌طور گسترده‌ای اقدام به تطهیر طالبان کنند. تصویری اکنون که آن‌ها از طالبان ارائه می‌کنند، متفاوت از زمانی است که این گروه دیپلمات‌های ایرانی را در شهر مزار قتل‌عام کردند.

ایران از جمله کشورهای همسایه افغانستان است که نزدیک به هزار کیلومتر مرز مشترک با افغانستان دارد. زبان، دین، فرهنگ و تاریخ مشترک این کشور با افغانستان موجب شد که بسیاری از افغان‌ها، ایران را به‌عنوان مقصد مهاجرت‌شان در طول چهل سال گذشته انتخاب کنند. براساس تخمین کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل ۱،۵ تا ۲ میلیون پناهنده در ایران وجود دارد که «شامل ۸۵۰ هزار تن اتباع فاقد مدرکی هستند که در سرشماری سال ۲۰۱۷ ثبت شده‌اند» و بیشتر آن‌ها طی ۴۰ سال گذشته در ایران بوده‌اند. به دلیل سابقه مهاجرت طولانی، بسیاری از افغان‌ها در ولایت‌های هم‌مرز با ایران، این کشور را خانه دوم خود قلمداد می‌کنند و

سیاست خارجی ایران در قبال افغانستان بوده است. سپاه پاسداران، وزارت امور خارجه، وزارت کشور و نهاد رهبری از جمله تصمیم‌گیرندگان اصلی در سیاست خارجی افغانستان بوده است. اکنون به‌نظر می‌رسد که این سیاست‌ها یکپارچه شده است و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال تغییر و تحولات افغانستان سکان هدایت سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در قبال مسائل افغانستان را به‌دست گرفته است.

در جریان هفته گذشته، گمرک اسلام‌قلعه که در مرز میان ایران و افغانستان قرار دارد به دست طالبان افتاد. ساختاری که بستر تبادل میلیون‌ها تن کالا از ایران به افغانستان و بالعکس است. پس از تأیید تصرف این گمرک به‌دست طالبان و قطع روال عادی تبادل کالاها و هرج‌ومرج به‌وجود آمده در دو سوی مرز، مقامات ایرانی و طالبان خواستار از سرگیری جریان عادی تبادل کالاها و عبور و مرور توسط بازرگانان و افراد در دو سوی مرز شدند. پذیرش ضمنی گروه طالبان به‌عنوان طرف مورد مذاکره برای از سرگیری فعالیت‌های مرزی توسط مقامات ایرانی، نقض حاکمیت و اقتدار دولت قانونی افغانستان است. این مسأله نقض آشکار قوانین بین‌المللی از سوی دولت ایران است. همچنین بیانگر سراسیمگی ایران برای سرعت‌بخشیدن به مشروعیت‌دهی به یک گروه تروریستی به بیان خود آنان است. حرف و عمل ایرانی‌ها یکسان نیست. آن‌ها از یک‌سو طالبان را تروریست می‌خوانند و از سوی دیگر به دنبال تطهیر آن‌ها هستند.

درست است که خروج آمریکا از افغانستان یک فرصت تاریخی برای حضور ایرانی‌ها در افغانستان به‌وجود آورده است، اما این فرصت تاریخی همچنان می‌تواند یک خطر بالقوه نیز

صلح و امنیت افغانستان گفت‌وگو خواهند کرد.

طی هفته‌های گذشته تلاش‌های تندروهای ایرانی برای تطهیر از چهره طالبان مشهود بود. به‌عنوان مثال روزنامه جوان در تیتروی نوشت «طالبان؛ اصلاح شده‌ایم». به باور نویسندگان این مطلب «این گروه اصلاح شده، رهبران «پخته‌تر» عمل می‌کنند، دنبال تصرف نظامی کابل، پایتخت افغانستان نیستند و دیگر به دیپلمات‌ها و اتباع غیرنظامی خارجی آسیب نخواهند رساند». واضح است که ایرانی‌ها از خروج امریکایی‌ها از افغانستان خوشحالند چه بسا که برای چنین روزهایی، لحظه‌شماری می‌کردند. ظاهراً ایرانی‌ها خطر یک حکومت بنیادگرا و ایدئولوژیک را در کنار مرزهای خود کمتر از خطر حضور آمریکا می‌دانند. این‌که چقدر این باور درست است، نیاز به زمان دارد. تهران در چند دهه گذشته تحولات افغانستان را با دقت دنبال کرده است. بر همین اساس تلاش کرده تا نقشی فعال را در تحولات افغانستان بازی کند. نقشی که به‌واسطه حضور آمریکا، هیچ‌گاه آرزوهای تروریست‌های ایرانی را در قبال افغانستان برآورده نکرد. همچنین ماهیت رادیکال گروه طالبان موجب شد که ایران نتواند به‌راحتی به این گروه نزدیک شود. اما با توجه به تغییر و تحولات افغانستان در سال‌های اخیر و به سرانجام‌نرسیدن گفت‌وگوهای صلح میان دولت افغانستان و طالبان و قدرت‌مند شدن این گروه، ایران آهسته‌آهسته خود را به این گروه نزدیک کرد. تاجایی که در سال‌های اخیر تهران میزبان نشست‌های مختلفی از گروه طالبان بوده است. عامل مهم دیگری که ایران نتوانست در طول سال‌ها گذشته سیاست روشن و یکپارچه‌ای را در قبال افغانستان اتخاذ کند، تصمیم‌گیرندگان و بازیگران مختلف

باشد. چرا که جانب مقابل ایران حزب‌الله یا گروه‌های تندور حامی ایران در عراق نیست. بلکه گروهی است که منابع فکری و اقتصادی آن را بیش از این‌که دولت ایران تأمین کند، کشورهای نظیر عربستان و پاکستان تأمین می‌کند. ایران به‌دلیل ماجراجویی‌هایش در منطقه، علاقه عجیبی به حمایت و ارتباط با گروه‌های تندرو و تروریستی مانند القاعده، حزب‌الله، طالبان و ... دارد. تصور تروریست‌ها و تندروهای ایرانی از نزدیک شدن به این گروه‌های تروریستی ساده است. تأمین منافع ایران در منطقه و استفاده از قدرت این گروه‌ها علیه منافع آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و غیره. حمایت گسترده دولت ایران از طالبان در طول سال‌های گذشته نیز در همین راستا قابل بررسی است.

با این وجود، ایرانی‌ها فراموش کرده‌اند که همین گروه طالبان بود که دیپلمات‌های آنان را در دهه هفتاد در مزار شریف سلاخی کردند. همین گروه طالبان بودند که دولت آقای هاشمی رفسنجانی تا مرز جنگ و لشکرکشی به افغانستان خود را مهیا کرد. آن‌چه را که دولت و مردم ایران نمی‌دانند این است که گروه طالبان یک گروه واپس‌گرا، متحجر و تروریستی است که در ماهیت آنان برخلاف آن‌چه که نخبگان دینی و سیاسی ایران تصور می‌کنند و یا به‌دنبال القای آن به جامعه خود هستند، هیچ تغییری نیامده است. در ماهیت طالبان جز سرکوب، ترور، خشونت و ضدیت با ارزش‌های مدرن چیزی مشاهده نمی‌شود و چنان‌چه این گروه به هر طریقی بر بخشی از افغانستان و یا همه‌ی آن تسلط یابند، پیامدی جز رشد تروریسم و افراط‌گرایی برای افغانستان و منطقه نخواهند داشت. پیامدی که عواقب آن دامن حامیان و تطهیرکنندگان این گروه را نیز خواهد گرفت.

	داکتره‌ی، اوبولگولو و مالداري وزارت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري	د افغانستان اسلامي جمهوریت جمهوري اسلامي افغانستان	
	معینیت مالی واداری ریاست تهیه و تدارکات آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی		
«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»			
ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی مجدد پروژه (انتقال آفت کشته‌ها، وسایل مختلف النوع مجادلوی، موتورسایکل و سامان آلات لابراتوار از گدام مرکزی ریاست حفاظه نباتات و قرنطین به ریاست های زراعت ۳۳ ولایت کشور) تحت داوطلبی شماره MAIL/PD/NCB/NCS-38/1400Rebid اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرزالعمل تدارکات عامه الی ساعت {۰۰:۱۰} قبل از ظهر روز سه شنبه مورخ ۱۲/ اسد ۱۴۰۰/ ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی باشد. تضمین آفر مبلغ (۳۵,۰۰۰) سی پنج هزار افغانی طبق شرطنامه و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) میباشد.			
آدرس مکان جلسه: دفتر جلسات آفرگشایی، منزل دوم تعمیر حفظ و مراقبت عقب ریاست منابع بشری، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري داوطلبان میتوانند اسناد مکمل داوطلبی را از وب سایت NPA.GOV.AF داوطلبان را در صورت عدم دانلود از وب سایت، شرطنامه را در سی دی یا فلش دیسک از آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی واداری، منزل اول به شکل رایگان بدست آورند.			

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید			
Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکت‌ها	
6 Months	120\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	شش ماهه
Annual	200\$ USD	۷۰۰۰ افغانی	یک ساله
قیمت: ۲۰ افغانی			
یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.			

است: «اگر ترکیب قومی باشد باید اعضای کامیاب شده از تبار من باشد. چنین چیزی نیست. پسر کاکایم هم کامیاب نشده. اکثریت کامیاب شدگان برادران هزاره است و حق شان است چون من امتحان شفاف گرفتم و از تمام مراحل اسناد وجود دارد. این افراد هم پیروز این عرصه بودند. پارچه‌های ناکام مانده‌هایی که به ریاست جمهوری عرضه کرده بودند را نشان دادیم. قناعت کردند که ناکام ماندند.» آقای شیوای شرق می‌گوید که ممکن است امتحان مجدد برای گزینش کمیشنران کمیسیون دسترسی به اطلاعات برگزار شود: «معلوم نیست چه کسی امتحان می‌گیرد اما آن‌ها می‌خواهند مسأله‌ی قومی را خدای ناخواسته به‌عنوان یک مورد مطرح کنند. و ترکیب قومی خلاف حقوق شهروندی و حقوق مدنی‌ست. ما به‌عنوان دولت‌مردان کشور با آگاهی از قانون زمینه‌ی همبستگی را بدون تفکیک مذهب، رنگ و نژاد خلق کنیم.»

قانون دسترسی به اطلاعات چه می‌گوید؟

در رابطه به این‌که وزیر اطلاعات و فرهنگ نمی‌تواند صلاحیت رهبری پروسه‌ی گزینش اعضای کمیسیون دسترسی به اطلاعات را به کسی واگذار کند در جزء اول فقره‌ی (۱) ماده‌ی ۲۰ قانون دسترسی به اطلاعات چیزی گفته نشده است: «وزیر اطلاعات و فرهنگ به حیث رییس کمیته گزینش» پیش‌بینی شده است. در فقره‌ی (۳ و ۴) ماده‌ی ۲۰ قانون دسترسی به اطلاعات گفته شده که باید یک عضو کمیته‌ی گزینش عضو کمیسیون امور دینی، فرهنگی، معارف و تحصیلات عالی مجلس نمایندگان باشد و یک عضو دیگر آن عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر. وزارت اطلاعات و فرهنگ می‌گوید که در کمیته‌ی گزینش نماینده‌هایی از نهادهای یادشده حضور داشته‌اند.

اداره امور ریاست جمهوری در مکتوبش به نگرانی دیدبان شفافیت چنین اشاره کرده است: «اعلان پذیرش سوانح بدون مشوره با کمیته گزینش بر خلاف فقره (۳) ماده ۲۰ و فقره (۲) ماده ۲۶ قانون دسترسی به اطلاعات.» این در حالی است که در فقره (۳) ماده ۲۰ این قانون از عضویت یک عضو کمیسیون امور دینی، فرهنگی، معارف و تحصیلات عالی مجلس نمایندگان در کمیته گزینش اعضای کمیسیون دسترسی به اطلاعات سخن گفته شده و در فقره (۲) ماده ۲۶ قانون دسترسی به اطلاعات گفته شده است که عضو این کمیسیون در صورت اجرای وظیفه‌اش باشد، عضویتش را از دست می‌دهد. مشخص نیست که اداره‌ی امور ریاست جمهوری چگونه فقره‌ی (۳) ماده ۲۰ و فقره‌ی (۲) ماده‌ی ۲۶ قانون دسترسی به اطلاعات را به نگرانی دیدبان شفافیت پیوند زده است.

در مورد «ترکیب قومی» در گزینش کمیشنران کمیسیون دسترسی به اطلاعات در قانون دسترسی به اطلاعات هیچ اشاره‌ای نشده است. در ماده ۱۹ این قانون، از هشت شرط برای عضویت در کمیسیون دسترسی به اطلاعات در هیچ‌کدام آن اشاره‌ای به «ترکیب قومی» نشده است.

عین‌الدین بهادری رییس کمیسیون دسترسی به اطلاعات می‌گوید که به‌دلیل کمبود کمیشنران، آن‌ها در مواردی با مشکل روبه‌رو می‌شوند: «مثلاً تصمیم بر اکثریت آرا گرفته می‌شود و با حضور سه نفر تصمیم کلان نگرفتیم، مثل کسر معاش.»



اداره‌ی امور، مافوق قانون؛

چگونه شایسته‌سالاری قربانی قوم‌گرایی می‌شود؟

ساختن طرزالعمل که اجرایی شد و طی مراحل شارت‌لیست کردن و اخذ امتحان تحریری و تقریری از کسانی که شارت‌لیست شده بودند، تمام مراحل را ما به‌صورت شفاف و کاملاً حساب‌ده برگزار کردیم.» طبق معلومات وزارت اطلاعات و فرهنگ، از مجموع ۸۳ نفر شارت‌لیست شده برای شرکت در آزمون گزینش برای عضویت در کمیسیون دسترسی به اطلاعات، ۳۳ نفر توانستند واجد شرایط شرکت در امتحان «تقریری» شوند و از مجموع آن‌ها، ۱۱ نفر با بلندترین نمرات رادر فهرست پیشنهادی‌شان به ریاست جمهوری معرفی کردند: «سه‌بار میشه از آدرس اداره‌ی امور امتحان شفاف و حساب‌ده ما رد شده. در مکتوب سومی تمام پروسه را زیر سوال برده و مسأله‌ی «ترکیب قومی» را مطرح کرده، چیزی که خلاف قانون اساسی و حقوق شهروندی‌ست.»

عبدالمنان شیوای شرق، معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که اعضای کمیته‌ی گزینش با اکثریت آرا «کارشویه» رسیدگی به امتحان شفاف را تعیین کردند: «فهرست از طرف اداره امور رد شده. سه بار استدلال کردیم اما رد شد و مسائل قومی را مطرح کردند. در حالی که وقتی امتحان رقابتی برگزار شد ترکیب قومی معنایی ندارد.»

آقای شیوای شرق در پاسخ به این پرسش که وزیر اطلاعات و فرهنگ نمی‌تواند صلاحیت برگزاری امتحان گزینش اعضای کمیسیون دسترسی به اطلاعات را به کسی دیگر واگذار کند و باید خودش این پروسه را رهبری کند، می‌گوید که این کار داخلی وزارت است و از صلاحیت وزیر است که مسئولیت را به چه کسی واگذار می‌کند: «صلاحیت وزیر است که مسئولیت را به کی واگذار می‌کند، این وظیفه هیچ اداره‌ی دیگری نیست که در این موضوع دخالت کند. مهم این است که وزیر از امتحان راضی بوده و وزیر صلاحیت برگزاری امتحان را به اداره‌ی بیرون از وزارت نداده است.»

آقای شیوای شرق اضافه می‌کند که او در قسمت شفافیت امتحان گزینش اعضای کمیسیون دسترسی به اطلاعات و چگونگی کامیاب‌شدگان این آزمون حاضر به پاسخ‌گویی است. به گفته‌ی آقای شیوای شرق اکثریت راه‌یافتگان به فهرست پیشنهادی این وزارت به ریاست جمهوری، از قوم «هزاره»

اطلاعات دوباره دایر کرده و خود وزیر آن‌را رهبری کند و در مدت معینه پیشنهاد خود را جهت منظوری به ریاست جمهوری بفرستد. دیدبان شفافیت در مکتوبی که به تاریخ ۱۲ دلو ۱۳۹۹ به وزارت اطلاعات و فرهنگ فرستاده دلایل نگرانی‌اش را در ارتباط به گزینش کمیشنران کمیسیون دسترسی به اطلاعات مطرح کرده است. این نهاد از نبودن طرزالعمل واضح که کل پروسه را تعریف کند خبر می‌دهد و این‌که پروسه اعلان استخدام کمیشنراهای جدید بدون مشوره با نهادهای مدنی و کمیته گزینش صورت گرفته است. همچنان پروسه دریافت درخواستی‌ها شفاف نبوده و اعضای کمیته گزینش نتوانسته بر ایمیل‌های متقاضیان که فرستاده نظارت کند و پروسه شارت‌لیست کردن متقاضیان بدون نظارت دیدبان شفافیت بوده است. همچنان پروسه‌ی که در آن متقاضیان شارت‌لیست نشده بتوانند شکایت کنند وجود ندارد و دو نفر از اعضای کمیته گزینش از فهرست پیشنهادی که به ریاست جمهوری فرستاده شده بی‌خبر بوده است.

فهرست پیشنهادی ۱۱ نفره‌ی وزارت اطلاعات و فرهنگ که از میان آن‌ها چهار نفر به عضویت کمیسیون دسترسی به اطلاعات انتخاب می‌شوند، سه‌بار توسط اداره عمومی امور ریاست جمهوری رد شده و این اداره در مکتوبی از وزارت اطلاعات و فرهنگ خواسته تا پروسه گزینش کمیشنران کمیسیون دسترسی به اطلاعات دوباره دایر شود.

پاسخ وزارت اطلاعات و فرهنگ

وزارت اطلاعات و فرهنگ پروسه‌ی گزینش کمیشنران کمیسیون دسترسی به اطلاعات را شفاف می‌داند و می‌گوید ۱۱ نفر که در فهرست پیشنهادی این وزارت به ریاست جمهوری فرستاده براساس شایستگی و رقابت آزاد به این فهرست راه یافته‌اند.

مسئولان وزارت اطلاعات و فرهنگ می‌گویند که در پروسه‌ی گزینش اعضای جدید کمیسیون دسترسی به اطلاعات چندین نهاد دولتی و غیردولتی از جمله دیدبان شفافیت، جامعه‌ی مدنی، انجمن وکلای مدافع، نماینده‌ی پارلمان، نمایندگان وزارت عدلیه و دادگاه عالی، کمیسیون حقوق بشر، فدراسیون خبرنگاران و معینیت نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ اشتراک کرده بودند: «ما روی دو کارشویه توافق کردیم.

محرم شماره «۲۹۲۴» چهار دلیل را برای رد فهرست پیشنهادی وزارت اطلاعات و فرهنگ در ارتباط به گزینش کمیشنران جدید کمیسیون دسترسی به اطلاعات ذکر کرده است.

براساس مکتوب ۲۹۲۴، دلایلی که اداره عمومی امور ریاست جمهوری فهرست پیشنهادی وزارت اطلاعات و فرهنگ در مورد گزینش کمیشنران کمیسیون دسترسی به اطلاعات را رد کرده این است که وزیر اطلاعات و فرهنگ رهبری پروسه را به‌عهده نداشته و صلاحیتش را به کسی دیگر واگذار کرده است. در حالی که مطابق جزء اول فقره (۱) ماده ۲۰ قانون دسترسی به اطلاعات، وزیر اطلاعات و فرهنگ نمی‌تواند صلاحیتش را به کسی دیگری تفویض کند و باید خودش پروسه گزینش اعضای کمیسیون را رهبری کند. این اداره همچنان گفته که در گزارش معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ تمام پروسه گزینش به صورت واضح تعریف نشده است و تاریخ اعلان پذیرش سوانح، آغاز کار و شهرت اعضای کمیته گزینش موضوعاتی است که در موردشان وضاحت کامل داده نشده است. همچنان پروسه گزینش خلاف معیاد زمانی و آن‌چه در فقره (۳ و ۴) ماده ۲۰ و فقره (۲) ماده ۲۶ قانون دسترسی به اطلاعات در نظر گرفته، انجام شده است.

در یک قسمت از این مکتوب اداره عمومی امور ریاست جمهوری از نگرانی دیدبان شفافیت سخن به‌میان آمده که در آن دیدبان شفافیت از نبود طرزالعمل شفاف، اعلان سوانح بدون مشوره با کمیته گزینش، عدم شفافیت در پروسه دریافت درخواستی‌ها، شارت‌لیست کردن متقاضیان بدون نظارت دیدبان شفافیت و عدم موجودیت راهکار برای رسیدگی به شکایات شاکیان اظهار نگرانی کرده است.

آخرین دلیل رد فهرست پیشنهادی وزارت اطلاعات و فرهنگ توسط اداره امور ریاست جمهوری که در این مکتوب آمده، «عدم موجودیت ترکیب قومی» و رعایت نکردن مدت زمان معینه براساس قانون دسترسی به اطلاعات خوانده شده است.

در بخش آخر این مکتوب، اداره امور ریاست جمهوری از وزارت اطلاعات و فرهنگ درخواست کرده بنابه دلایل فوق، پروسه گزینش کمیشنران کمیسیون دسترسی به

هادی خوش‌نویس

حدود ۹ ماه قبل پس از آن‌که سه عضو از میان پنج عضو کمیسیون دسترسی به اطلاعات بنابه دلایلی از عضویت این کمیسیون خارج شدند پروسه گزینش کمیشنران جدید این کمیسیون شروع شد و از میان ۳۳ اشتراک‌کننده در این پروسه، ۱۱ نفر با بلندترین نمرات توانستند خودشان را در فهرست پیشنهادی وزارت اطلاعات و فرهنگ، که به هدف نهایی شدن به ریاست جمهوری ارسال می‌شد، جا بدهند. اما این فهرست پیشنهادی وزارت اطلاعات و فرهنگ توسط اداره عمومی امور ریاست جمهوری رد شد.

عین‌الدین بهادری رییس کمیسیون دسترسی به اطلاعات می‌گوید که این نهاد از زمانی که پروسه گزینش شروع شد تا حالا با سه کمیشنر کار می‌کند و کمبود کمیشنران در مواردی آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند: «کمیته گزینش متشکل از نهادهای مختلف دایر و امتحان گرفته شد و نتایج این امتحان به ریاست جمهوری ارسال شده. ما منتظریم که اعضای کمیسیون دسترسی به اطلاعات معرفی شوند.»

براساس مکتوب اداره عمومی امور ریاست جمهوری یکی از دلایل رد این فهرست پیشنهادی وزارت اطلاعات و فرهنگ «ترکیب قومی» ذکر شده است که کمیشنران کمیسیون دسترسی به اطلاعات آن‌را در نظر نگرفته است.

عبدالمنان شیوای شرق معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ می‌گوید پروسه گزینش و امتحانی که از متقاضیان گرفته «شفاف» بوده اما اداره عمومی امور ریاست جمهوری طی دو مکتوب امتحان «شفاف» و «حساب‌ده» آن‌ها را رد کرده و در سومین مکتوب کل پروسه گزینش کمیشنران کمیسیون دسترسی به اطلاعات را زیر سوال برده است. آقای شرق اضافه می‌کند که در هیچ‌جای قانون دسترسی به اطلاعات از «ترکیب قومی» سخن گفته نشده است: «وقتی امتحان رقابتی برگزار می‌شود ترکیب قومی معنایی ندارد.»

چرا کمیشنران کمیسیون دسترسی به اطلاعات معرفی نمی‌شوند؟

اداره عمومی امور ریاست جمهوری در مکتوب